

ارتباط بین فعالیت سیستم های مغزی - رفتاری، حمایت اجتماعی و اضطراب در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

حسین شاه محمدی*

خلاصه

در این پژوهش نقش فعالیت سیستم های مغزی / رفتاری در تعدیل ارتباط بین حمایت اجتماعی و اضطراب مورد بررسی قرار گرفته است. به این منظور ۱۵۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز بر اساس نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده عبارت بودند از پرسش نامه شخصیتی گری - ویلسون، پرسش نامه حمایت اجتماعی وکس، و پرسش نامه اضطراب بک. یافته های پژوهش نشان دادند بین حمایت اجتماعی و گرایش به اضطراب رابطه منفی معنادار وجود دارد. ارتباط بین فعالیت سیستم فعال ساز رفتاری و میزان گرایش به اضطراب معنادار نیست. بین میزان فعالیت سیستم بازداری رفتاری و گرایش به اضطراب رابطه مثبت معناداری وجود دارد. رابطه میان حمایت اجتماعی و اضطراب در شرایطی که سیستم بازداری رفتاری غلبه دارد بیشتر است. نتایج حاصل بر نقش واسطه ای سیستم بازداری رفتاری در ارتباط بین حمایت اجتماعی پایین و گرایش بیشتر به اضطراب تأکید می ورزد و از لحاظ کاربردی زمینه ای برای فهم تفاوت های فردی در خصوص حساسیت ساخت های مختلف عصبی و آسیب پذیری متفاوت افراد فراهم آورده ست.

واژه های کلیدی: اضطراب، سیستم فعال ساز رفتاری، سیستم بازداری رفتاری، حمایت اجتماعی.

مقدمه

قرن ها است که پدیده اضطراب توجه افراد را به خود معطوف داشته است. در سال های اخیر کتاب ها و مقاله های بسیاری درباره این موضوع نوشته شده و حتی به صورت عنوانی برای

* عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز کارشناس روان شناسی عمومی

سمفونی لئونارد برنشتاین تحت عنوان *عصر اضطراب* در آمده است. نظریه های مختلف روان-کاوی و یادگیری نقش عمده ای برای اضطراب هم در رفتار طبیعی و هم در رفتار غیر طبیعی قابل هستند.

با توجه به این که اختلال های روانی، آثاری عمیق دارند و این اختلال ها امور روزانه را مشکل و گاهی اوقات غیرممکن می سازند و بنیان روابط فرد با خانواده، دوستان و همکاران را تخریب می کنند، حتی اگر فرد مبتلا به چنین اختلالی بتواند ظاهری عادی به دیگران نشان دهد، اضطراب، افسردگی یا تنهایی طاقت فرسایی را تحمّل می کند. اضطراب مزمن نه تنها لذت بردن از زندگی را غیرممکن می سازد بلکه مانع عملکرد فرد با تمام ظرفیت می شود (ژاندا، به نقل از تجربی، ۱۳۸۴).

فروید را می توان اولین کسی دانست که نقش اضطراب را در تشکیل اختلال های روان نژندی و روان تنی مهم دانسته است، در نظر او اضطراب پدیده ای اساسی و موضوعی مرکزی در روان نژندی است.

روان شناسان از سال ها پیش پی برده اند اضطراب مفهومی چند بعدی است. با این که همه ما اضطراب را تجربه می کنیم، واقعیت این است اضطرابی که ما تجربه می کنیم با اضطرابی که دیگران تجربه می کنند بسیار متفاوت است (ژاندا، به نقل از تجربی، ۱۳۸۴). پیتزلانگ (۱۹۶۹)، الگویی سه مؤلفه ای برای اضطراب پیشنهاد کرده است: (۱) شناختی (۲) رفتاری (۳) فیزیولوژیکی یا بدنی (پاول، ۱۳۷۶).

فالی کوکسال و کوئن پاور در مفهوم پردازی اضطراب یک گام فراتر نهاده اند. آنها این مسأله را مطرح کردند که مؤلفه شناختی اضطراب به خودگویی های کلامی و احساسات ذهنی (فاعلی) که افراد گزارش می دهند تقسیم می شود. به این ترتیب مؤلفه احساسی را به سه مؤلفه دیگر افزودند.

از دیدگاه رفتاری، اضطراب را می توان به عنوان عکس العمل دستگاه عصبی خودکار در موارد ترسناک یا تهدید کننده تعبیر کرد که بعداً نسبت به جنبه های نامربوط، همزمان و یا نامشخص توأم با آن موارد شرطی می شود.

فرضیه های زیست شناسی بر معیارهای عینی متکی است که عمل مغز در بیماران مبتلا به اختلال اضطراب را با افراد عادی مقایسه می کند. این که معیارهای زیست شناختی اولیه و یا ثانوی بر اضطراب است در حال حاضر سؤالی بی پاسخ است. تحریک سلسله اعصاب

اتونومیک ایجاد برخی علائم قلبی عروقی، عضلانی، معدی - روده‌ای و تنفسی می‌نماید. تظاهرات محیطی اضطراب نه منحصر به حالات اضطرابی است و نه لزوماً با احساس ذهنی اضطراب همراه است.

روش

روش این پژوهش، با توجه به ماهیت موضوع، از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز تشکیل می‌دهند. حجم نمونه این پژوهش شامل ۱۵۰ نفر (۶۷ نفر دختر و ۸۳ نفر پسر) بوده است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش داده‌های خام، از طریق پاسخ‌های آزمودنی‌ها به پرسش‌نامه‌های شخصیتی گری - ویلسون، پرسش‌نامه حمایت اجتماعی وکس، و پرسش‌نامه اضطراب بک، جمع‌آوری و سپس بر اساس هر یک از فرضیه‌های پژوهشی، جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش‌های آماری رگرسیون چند متغیری با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است.

ابزارهای پژوهش

به منظور ارزیابی فعالیت سیستم‌های مغزی / رفتاری، آزمودنی‌ها از پرسش‌نامه شخصیتی گری - ویلسون استفاده شد. این پرسش‌نامه به وسیله ویلسون، گری و بارت (۱۹۹۰) طراحی شده است و میزان غلبه و حساسیت سیستم‌های مغزی - رفتاری و مؤلفه‌های آن را ارزیابی می‌کند. این مقیاس دربرگیرنده ۱۲۰ ماده است که برای ارزیابی فعالیت هر یک از سیستم‌های بازداری رفتاری، فعال ساز رفتاری و ستیز / گریز، ۴۰ ماده در نظر گرفته شده است. از ۴۰ ماده مربوط به فعالیت سیستم بازداری رفتاری، ۲۰ ماده مربوط به مؤلفه اجتناب فعل پذیر و ۲۰ ماده به مؤلفه خاموشی اختصاص یافته است. از ۴۰ ماده مربوط به مؤلفه سیستم فعال ساز رفتاری، ۲۰ ماده به مؤلفه روی آورد و ۲۰ ماده به مؤلفه اجتناب اختصاص دارد. برای هر ماده سه گزینه "بلی"، "خیر" و "؟" وجود دارد. که برای گزینه "؟" نمره ۱ و هر یک از گزینه‌های "بلی" یا "خیر"، با توجه به مضمون جمله، نمره ۲ یا صفر تعلق می‌گیرد. ویلسون، بارت و گری (۱۹۹۰) در تحلیل عاملی این پرسش‌نامه، ضرایب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۵ تا ۰/۷۲ را گزارش کرده‌اند. تجربی (۱۳۸۴) ضرایب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۵ تا ۰/۷۲ را به دست آورد که کمترین مقدار مربوط به مؤلفه اجتناب فعال و بیشترین مقدار مربوط به مؤلفه خاموشی بود.

به منظور سنجش میزان حمایت اجتماعی، آزمودنی ها به پرسش نامه حمایت اجتماعی پاسخ دادند. شکل تغییر یافته پرسش نامه حمایت اجتماعی مبتنی بر پرسش نامه حمایت اجتماعی وکس و دیگران (۱۹۹۰) برای هر جمله دو گزینه "بلی" یا "خیر" دارد و با توجه به مضمون جمله ها به هر یک از گزینه های بلی یا خیر، نمره ۱ یا صفر تعلق می گیرد. دامنه احتمالی نمره های به دست آمده بین صفر تا ۲۳ است. ابراهیمی قوام (۱۳۷۱) پرسش نامه حمایت اجتماعی را روی یک گروه ۱۰۰ نفری از دانشجویان و یک گروه ۲۰۰ نفری از دانش آموزان اجرا و به ترتیب ضرایب پایایی ۰/۹۰ و ۰/۷۰ را گزارش کرده است. برای ارزیابی میزان اضطراب دانشجویان از پرسش نامه اضطراب بک استفاده شد.

نتایج

برای بررسی میان متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. ولی با توجه به این که بسیاری از همبستگی های دوه دو بین متغیرها ممکن است ظاهری باشد، لازم بود به کمک الگوی رگرسیون چندگانه تأثیر کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به طور همزمان مشخص شود. همه محاسبات به وسیله نرم افزار آماری SPSS انجام گرفته و خلاصه نتایج در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرها	روی آورد	اجتناب فعال	سیستم فعال ساز رفتاری	اجتناب فعل پذیر	خاموشی	سیستم بازداری رفتاری	اضطراب	حمایت اجتماعی
روی آورد								
اجتناب فعال	-۰/۳۲۱							
سیستم فعال ساز رفتاری	۰/۵۴۶	۰/۶۱۲						
اجتناب فعل پذیر	۰/۳۴۲	-۰/۰۵۲	۰/۲۳۶					
خاموشی	۰/۲۴۱	-۰/۲۲۸	۰/۰۳۲	۰/۶۱۲				
سیستم بازداری رفتاری	۰/۳۲۲	-۰/۲۱۸	۰/۲۵۱	۰/۵۴۳	۰/۵۶۱			
اضطراب	۰/۱۳۶	۰/۱۵۲	۰/۱۱۴	-۰/۲۳۶	-۰/۳۴۸	۰/۲۶۷		
حمایت اجتماعی	-۰/۰۲۱	۰/۲۰۲	۰/۰۷۴	-۰/۲۸۱	-۰/۰۶۱	۰/۱۶۹	-۰/۳۲۸	

$P < 0.01$

همان طور که در ماتریس همبستگی متغیرها مشخص است، بین حمایت اجتماعی و میزان اضطراب آزمودنی‌ها رابطه منفی معنادار وجود دارد ($p < 0/01$). به این معنی که هر اندازه میزان حمایت اجتماعی افزایش یابد، گرایش به اضطراب کاهش می‌یابد. در مورد ارتباط دو سیستم فعال ساز رفتاری و بازداری رفتاری با اضطراب و حمایت اجتماعی، رابطه فعالیت سیستم فعال ساز رفتاری و اضطراب غیرمعنادار و رابطه فعالیت سیستم بازداری رفتاری و اضطراب معنادار است ($p < 0/01$). ارتباط بین فعالیت سیستم‌های فعال ساز رفتاری و بازداری رفتاری با حمایت اجتماعی، معنادار نیست.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش‌های دیگری نیز یافته پژوهش حاضر مبنی بر وجود رابطه منفی معنادار بین حمایت اجتماعی و میزان اضطراب را تأیید می‌کنند که در همه آنها شبکه گسترده ارتباط‌های اجتماعی، و متعاقب آن حمایت اجتماعی عامل مهمی برای فراهم شدن تجربه‌های مثبت و پاداش دهنده برای افراد به شمار می‌رود. در نتیجه، افزایش احساس خودارزشمندی افراد و کاهش احتمال ابتلا به اختلال‌های روان‌شناختی را در پی خواهد داشت. کاسیدی (۱۹۹۹) نشان داد که اندازه شبکه حمایت اجتماعی، عامل ضعیفی برای پیش‌بینی سلامتی تلقی می‌شود. در حالی که میزان حمایت ادراک شده، پیش‌بینی کننده مناسبی برای سلامتی به شمار می‌رود. منطقی به نظر می‌رسد که حمایت اجتماعی، رفتارهای سلامتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ولی در این مورد که حمایت اجتماعی، به طور کامل، ارتباط بین روابط صمیمی و سلامتی را تبیین می‌کند تردید وجود دارد (کاپلان، ۱۹۹۳).

در مورد دومین فرضیه پژوهش مبنی بر ارتباط دو سیستم فعال ساز رفتاری و بازداری رفتاری با اضطراب و حمایت اجتماعی، یافته‌های پژوهش نشان داد که رابطه معکوس بین میزان فعالیت سیستم فعال ساز رفتاری و گرایش به اضطراب، معنادار نیست و بر مبنای محاسبه ضریب تعیین، تنها ۰/۷٪ از تغییرات اضطراب به وسیله فعالیت سیستم فعال ساز رفتاری تعیین می‌شود (فاولز، ۲۰۰۰). سیستم فعال ساز رفتاری، رفتار روی آورد و انگیزش خوشایند را کنترل می‌کند و انگیزش خوشایند با حالات عاطفی مثبت همراه است.

منابع

- تجریشی، م: دلاور، ع: برجعلی، ا، جمهری، ف (۱۳۸۴)، تأثیر موفقیت و شکست بر تغییرات شاخص های فیزیولوژیک بر اساس فعالیت سیستم های مغزی / رفتاری، مجله روان شناسی، سال نهم، شماره ۳۷.
- Fowles, D.C. (۲۰۰۰), "Electrodermal hyporeactivity and Antisocial Behavior: Does Anxiety Mediate the Relationship?", *Journal of Affective Disorders*, ۶۱.
- Kaplan, H. I., Sallis, J.F. & Patterson, T.L. (۱۹۹۳), *Health & Human Behavior*, New York.